

فضیلت توکل و اعتماد به خداوند در اخلاق اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان *

مقدمه

توکل، یکی از فضایل مهم اخلاقی است که در فرهنگ اسلامی از مظاهر ایمان به شمار می‌رود. قرآن کریم توکل به خدا را از ویژگی‌های برجسته مؤمنان می‌شمارد: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^۱ و افراد با ایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند». در آیه دیگری نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۲ مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هاشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمان‌شان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند». بنابراین توکل، از لوازم جدایی‌ناپذیر ایمان است. البته ایمان دارای مراتب است و به همین جهت، توکل مؤمنان نیز می‌تواند مراتبی داشته باشد. هر گاه ایمان به بالاترین درجه خود برسد، توکل نیز به همین‌سان به بالاترین درجه از نصاب خود خواهد رسید؛ همانند حضرت ابراهیم علیه السلام که در قرآن کریم داستان توکل ایشان و ثمره آن توکل به تفصیل بیان شده است. این نوشتار بعد از معاشناسی توکل، به لوازم و آثار توکل پرداخته است.

الف. معاشناسی توکل

توکل، به معنی اعتماد است و اگر با کلمه «علی» متعدی شود و به شکل فعل درآید، به معنی تکیه و اعتماد کردن به دیگری خواهد بود.^۳ توکل، به معنی سپردن کارها به خدا و اعتماد قلبی به

* دکتری ادیان و عرفان.

۱. آل عمران: ۱۲۲.

۲. انفال: ۲.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ذیل واژه وکل.

اوست. توکل این است که انسان خدا را تکیه‌گاه مطمئن خود قرار دهد و همه امورش را به او واگذار کند؛ خدای مهربانی که از تمام نیازهای او آگاه و در برطرف نمودن آنها تواناست. علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره معنای توکل می‌نویسد: «معنای توکل این است که تأثیر امور را به خدای متعال ارجاع دهد و تنها او را مؤثر بداند»؛ «توکل آن است که بنده خدا، پروردگار خود را وکیل خود بگیرد تا هر تصرفی را خواست در امور او بکند».^۱

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از جبرئیل درباره معنا و تفسیر توکل سؤال کرد و جبرئیل گفت:

أَلْعَلُّمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَإِسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ
فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَزُجْ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ
فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ الْحَقِيرُ؛^۲ معنای توکل این است که انسان یقین کند به
اینکه سود و زیان و بخشش و محروم شدن به دست مردم نیست و باید از آنها ناامید بود و
اگر بنده‌ای به این مرتبه از معرفت برسد که جز برای خدا کاری انجام ندهد و جز او به
کسی امیدوار نباشد و از غیر او نهراسد و غیر از خدا چشم طمع به کسی نداشته باشد، این
همان توکل بر خداست.

بنا بر این روایت، در معنای توکل معرفت و یقین به خدا، قدرت او و معرفت به عجز و ناتوانی مخلوقات نهفته است. لازمه این نوع معرفت و یقین، آن است که انسان تنها به خدا امیدوار باشد و تنها از او کمک بخواهد و از کسی جز خدا، ترس و هراسی بدل راه ندهد.

شخصی به نام حسن بن جهم می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و عرض کردم: جانم به فدای شما، حد و مرز توکل چیست؟ امام فرمود: «أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛^۳ توکل آن است که با اتکای به خدا از هیچ کس نترسی». امام علیه السلام در این روایت به یکی از لوازم و آثار توکل اشاره کرده است. انسان متوکل تنها امیدش به خدا و قدرت اوست، به همین جهت از کسی جز خدا نمی‌ترسد؛ زیرا می‌داند که همه مخلوقات خدا بدون قدرت و اذن الهی نمی‌توانند هیچ تأثیری بر دیگری داشته باشند.

علی بن سؤید می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام تفسیر آیه شریفه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۴

۱. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۷، ص ۵۰۷.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۸، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۳۴.

۴. طلاق: ۳.

را پرسیدم، امام فرمود:

التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ، مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ إِنَّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا وَفَضْلًا وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَفْوِيضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَثِقْ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا؛^۱ توکل کردن بر خدا درجاتی دارد: یکی از آنها این است که در تمام کارهایت به خدا توکل کنی و هر چه با تو کرد، از او خشنود باشی و بدانی که او نسبت به تو از هیچ خیر و تفضلی کوتاهی نمی‌کند و بدانی که در این باره حکم، حکم اوست؛ پس با واگذاری کارهایت به خدا، بر او توکل کن و در آن کارها و دیگر کارها به او اعتماد داشته باش.

ب. توکل و عالم اسباب

از نگاه دین عالم، عالم اسباب است و انسان برای ادامه زندگی خود باید به دنبال وسیله و سبب برود، اما نباید مُسَبَّبِ الاسباب را فراموش کند؛ بلکه باید وسایل و اسباب را پرتوی از ذات احدیت و اراده او بداند. بدانند که همه اسبابی که در خدمت او هستند تا کارش را به پیش ببرد، از عنایات حضرت حق تعالی است و بدون اذن او هرگز نمی‌توانند خدمتی به انسان ارائه دهند. آدمی نباید اسباب و مخلوقاتی را که خدا آفریده است، برتر از خدا بداند و خدا را فراموش کند؛ زیرا «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۲ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».

بر همین اساس، خداوند در جای دیگری با تأکید بر توکل به خدا می‌فرماید:

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛^۳ و اگر خداوند، (برای امتحان یا کیفر گناه) زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او آن را بر طرف نمی‌سازد؛ و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می‌رساند و او غفور و رحیم است.

۱. همان.

۲. طلاق: ۳.

۳. یونس: ۱۰۷.

بنابراین انسان متوکل در همه امور، تنها به خدا اعتماد و اطمینان دارد و دل از همه کس و از همه چیز بریده و تنها به خدای قادر متعال امیدوار است. البته همان گونه که گفته شد این عالم، عالم اسباب است و به همین جهت آدمی باید کارهای خود را به خوبی انجام دهد و از وظیفه فردی، خانوادگی و اجتماعی و سیاسی خود غافل نگردد؛ ولی باید بداند که تأثیر همه امور تنها به دست خداست. بنابراین شخص مؤمنی که به خدا توکل دارد، وظیفه و عمل صحیح خودش را نیز انجام می‌دهد؛ نه اینکه مانند آن مرد در زمان رسول خدا ﷺ باشد که می‌خواست با توکل به خدا، شترش را نبندد و آن را رها سازد، اما پیامبر اکرم ﷺ به او فرمود: «ابتدا شترت را ببند و سپس توکل کن».^۱ کسانی که به خدا ایمان و معرفت دارند، می‌دانند که به مقتضای حکمت الهی، امور به واسطه اسباب‌شان تحقق می‌یابند. البته باید بداند که اسباب در اثربخشی و خاصیت خود مستقل نیستند؛ بلکه آنها نیز بدون فضل و اذن خدا نمی‌توانند تأثیری داشته باشند. بنابراین ضمن استفاده از اسباب عالم، باید توجه داشت که مسبب‌الاسباب و آن وجودی که همه اثرها از او و همه چیز به دست قدرت اوست، تنها خدای متعال است.

آن که ببندد او مسبب را عیان
کی نهد دل بر سبب‌های جهان^۲

ج. آثار توکل در قرآن و روایات

بدون تردید توکل به خدا و اعتماد به او، دارای آثاری است که به بخشی از آن می‌پردازیم:

۱. شجاعت و قدرت تصمیم‌گیری

خداوند به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^۳ هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد». پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیثی فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى»^۴ کسی که دوست دارد قوی‌ترین مردم باشد، باید بر خدا توکل کند». از آنجا که همه قدرت‌ها از خداست و خدای متعال، قادر مطلق و متعال می‌باشد، بنابراین هر کسی به خدا توکل کند و خود را به او بسپارد، قوی‌ترین خواهد بود و شکست نخواهد خورد؛ چنان‌که امام

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱۱، ص ۲۰۱.

۲. جلال‌الدین محمد بلخی رومی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر دوم، بخش ۱۱۴.

۳. آل‌عمران: ۱۵۹.

۴. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۷.

باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْهُ وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ؛^۱ هر کس توکل بر خدا کند، مغلوب نگردد و هر که به خدا پناه آورد، شکست نخورد».

۲. کار و فعالیت

کسانی که به خدا توکل می‌کنند، اهل کار و تلاشند و از فعالیت و کسب و کار برای تهیه رزق دست بر نمی‌دارند. در روایتی آمده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عده‌ای را دید که کشاورزی نمی‌کنند. به آنها فرمود: شما چه کاره‌اید؟ گفتند: ما توکل کنندگانیم. حضرت فرمود: «لا، بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكَلِّفُونَ؛^۲ نه، بلکه شما سربار [دیگران] هستید».

گر توکل می‌کنی در کار کن	کشت کن پس تکیه بر جبار کن ^۳
در توکل از سبب غافل مشو	رمز «الکاسب حبيب الله» شنو
گفت پیغمبر به آواز بلند	با توکل، زانوی اشتر بیند ^۴

۳. عدم سلطه شیطان

به هر اندازه که ایمان انسان قوی‌تر و توکلش بر خدا زیادتر باشد، به همان اندازه از زیر سلطه شیطان و هواهای نفسانی خارج خواهد شد: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛^۵ چرا که او بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد.

۴. آرامش و عدم نگرانی از حوادث روزگار

انسانی که به خدا معرفت و به او اتکال دارد، از مخلوقات خدا و حوادثی که ممکن است در زندگی او رخ دهد، هیچ نگرانی ندارد. قرآن کریم در موارد زیادی به این حقیقت اشاره کرده است:

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛^۶ آنها در حضور تو می‌گویند:

۱. علی بن حسن طبرسی؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ ج ۱، ص ۲۱.

۲. حسین بن محمد تقی نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۲۸۸.

۳. جلال‌الدین محمد بلخی رومی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بخش ۴۷.

۴. همان.

۵. نحل: ۹۹.

۶. نساء: ۸۱.

فرمانبرداریم، اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند؛ جمعی از آنان بر خلاف گفته‌های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می‌دهند؛ آنچه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد. اعتنائی به آنها نکن! [و از نقشه‌های آنان وحشت نداشته باش] و بر خدا توکل کن. کافی است که او یار و مدافع تو باشد.

بنابراین انسان باید در همه امور اعم از مادی و معنوی بر خدای تعالی تکیه کند و تأثیر اسباب و علل را از او بداند و به اصل «لا مؤثر فی الوجود إلاّ الله» باور و اطمینان داشته باشد که اگر تیغ عالم بجنبید ز جای نبرد رگی تا نخواهد خدای^۱

یکی از اطرافیان امام خمینی علیه السلام می‌نویسد:

یکی از بارزترین صفات روحی امام علیه السلام، اطمینان خاطر است و همه کسانی که امام علیه السلام را درک کرده‌اند، می‌دانند که در تمام فراز و نشیب‌ها و سختی‌های زندگی خود، حتی یک لحظه دچار اضطراب و تزلزل نگردیده است و همیشه جازم و مصمم بوده، چه در حوادث قبل از انقلاب و چه بعد از آن ... امام علیه السلام را [در عصر طاغوت] می‌خواهند به سوی تهران حرکت دهند، یاران در کنار ماشین گریه می‌کنند؛ ولی آنان را دعوت به صبر می‌کند. این سخن خودشان است که: در بین راه قم و تهران ناگهان ماشین از جاده اصلی منحرف شد به خاکی و من یقین کردم که می‌خواهند مرا بکشند، ولی مجدداً ماشین به جاده اصلی بازگشت. من در خود مراجعه کردم و دیدم هیچ تغییری در من حاصل نشده است.^۲

۵. محبوبیت نزد خدا

خداوند متوکلین را دوست دارد و بر اساس توکل‌شان امورشان را کفایت می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^۳ به راستی که خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد». همچنین خداوند در باره مؤمنانی که اهل کارهای شایسته از جمله توکل هستند، می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^۴ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد».

امام زین‌العابدین علیه السلام در زیارت امین‌الله به خداوند عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مُجِيبَةً

۱. رضا مختاری؛ سیمای فرزندان؛ ج ۱، ص ۳۷۴.

۲. همان، ص ۳۷۹.

۳. آل‌عمران: ۱۵۹.

۴. مریم: ۹۶.

لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ؛^۱ بارالها، مرا دوستدار خاصان اولیای خویش و محبوب در اهل زمین و آسمان خود قرار ده». استاد جوادی آملی درباره اهمیت محبوبیت الهی می نویسد: «انسان بامعرفت به محبت الهی نائل می شود، ولی تلاش باید آن باشد که علاوه بر محبت به خدا، محبوب خدا شود؛ زیرا انسانی که محب و محبوب خدا شد، هم کار را برای خدا انجام می دهد و هم خدای سبحان مجاری ادراکی و تحریکی او را به عهده می گیرد».^۲

حضرت ابراهیم علیه السلام شخصیتی است که نزد همه ادیان ابراهیمی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام از محبوبیت بالایی برخوردار است و همه به آن حضرت افتخار می کنند. ایشان در سخت ترین و بحرانی ترین شرایط زندگی خود، تنها بر خدا توکل کرد و فقط او را مدبر امور دانست. قرآن کریم درباره بت پرستان که می خواستند او را در میان آتش بسوزانند، می فرماید: «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ»^۳ گفتند: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است». مشرکان تا آنجا که توان داشتند، هیزم روی هم انباشتند و آنگاه که هیزم ها را آتش زدند و خواستند حضرت ابراهیم علیه السلام را در میان آتش بیفکنند، از شدت حرارت نمی توانستند نزدیک آتش شوند تا اینکه شیطان منجینی برای آنان ساخت و ابراهیم علیه السلام را بر بالای آن نهادند و او را به درون آتش پرتاب کردند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَمَّا أُجْلِسَ إِبْرَاهِيمُ علیه السلام فِي الْمَنْجِنِيقِ وَ أَرَادُوا أَنْ يَرْمُوا بِهِ فِي النَّارِ أَتَاهُ جِبْرَائِيلُ علیه السلام فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِبْرَاهِيمُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَلَمْ تَرَ أَنَّكَ حَاجَةٌ فَقَالَ أَمَا إِلَيْكَ فَلَا؛^۴ هنگامی که ابراهیم علیه السلام را بالای منجینق گذاشتند و می خواستند او را در آتش بیفکنند، جبرئیل علیه السلام به ملاقاتش آمد و پس از سلام گفت: آیا نیاز داری که به تو کمک کنم؟ ابراهیم در جواب گفت: اما به تو، نه!

چون رها از منجینق آمد خلیل	آمد از دربار عزت جبرئیل
گفت «هَلْ لَكَ حَاجَةٌ يَا مُجْتَبِي»	گفت «أَمَا مِنْكَ يَا جِبْرِيْلُ لَا»
من ندارم حاجتی از هیچ کس	با یکی کار من افتاده است و بس
گفت با او جبرئیل ای پادشاه	پس ز هر کس باشدت حاجت بخواه

۱. عباس قمی؛ کلیات مفاتیح الجنان؛ زیارت امین الله.

۲. عبدالله جوادی آملی؛ ولایت در قرآن؛ ص ۷۳ و ۷۴.

۳. انبیاء: ۶۸.

۴. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۴، ص ۵۵.

گفت اینجا هست نامحرم مقال
گر سزاوار من آمد سوختن
می تواند آتشم گلشن کند
من نمی خواهم جز آنچه خواهد او

علمه بالحوال حسبی بالسؤال
لب ز دفع او ببايد دوختن
شعله‌ها را شاخ نسترون کند
حال من می بیند و می داند او^۱

در نهایت از آنجا که حضرت ابراهیم علیه السلام کار خود را به خدا وا گذاشت و به او اعتماد کرد و آتش بر او گلستان شد: «و قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلَامًا عَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ»^۲ و ما گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش».

آری، کسی که بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيَّ كَفَا»^۳.
دلا همواره تسلیم رضا باش
چو حق بخشد کلاه سربلندی
به هر حالی که باشی با خدا باش
تو دل بر دیگری بهر چه بندی...^۴

د. دعای امام سجاد علیه السلام درباره توکل

در پایان، دعای امام سجاد علیه السلام درباره درخواست توکل به خدا را می خوانیم:

فَإِلَيْكَ أَفْرُ، وَ مِنْكَ أَخَافُ، وَ بِكَ أَسْتَعِيثُ، وَ إِلَيْكَ أَرْجُو، وَ لَكَ أَدْعُو، وَ إِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَ بِكَ أَتَّقُ، وَ إِلَيْكَ أَسْتَعِينُ، وَ بِكَ أُوْمِنُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ عَلَىٰ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَّكِلُ؛^۵
[الهی] به سوی تو می گریزم و از تو می ترسم و از حضرتت فریادرسی می نمایم و به تو امیدوارم و تو را می خوانم و به تو پناه می آورم و به تو اطمینان دارم و از تو یاری می خواهم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می کنم و بر جود و کرمت اعتماد می نمایم.

۱. ملا احمد بن محمد مهدی نراقی؛ مثنوی طاقدیس؛ ص ۳۰۹.

۲. انبیاء: ۶۹.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۸۹.

۴. ناصر خسرو قبادیانی؛ دیوان ناصر خسرو؛ ص ۵۴۵.

۵. علی بن حسین امام زین العابدین علیه السلام؛ صحیفه سجادیه؛ دعای ۵۲.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه؛ بیروت: منشورات دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. امام زین العابدین علیه السلام، علی بن حسین؛ صحیفه سجادیه؛ ترجمه جواد فاضل؛ چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۶ش.
۴. بلخی رومی، جلال الدین محمد؛ مثنوی معنوی؛ تهران: انتشارات نشر طلوع، [بی تا].
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ ولایت در قرآن؛ چاپ ششم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۲ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ تصحیح صفوان عدنان داوودی؛ چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالقلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۷. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: منشورات دار الهجره، ۱۳۹۵ق.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، تهران: منشورات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
۱۰. طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: منشورات دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۲. قبادیانی، ناصر خسرو؛ دیوان ناصر خسرو؛ تهران: انتشارات دنیای کتاب، [بی تا].
۱۳. قمی، عباس؛ کلیات مفاتیح الجنان؛ قم: انتشارات اسوه، [بی تا].
۱۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۵. مختاری، رضا؛ سیمای فرزندگان؛ چاپ بیست و ششم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷ش.
۱۶. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی؛ مثنوی طاقدیس؛ تهران: انتشارات کتابفروشی فرهمند، [بی تا].
۱۷. نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل؛ تهران: منشورات المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ق.